

## کتاب

## منابع قرض الحسنه بانک‌ها در جیب نورچشمی‌ها

منابع قرض الحسنه نظام بانکی عملاً به سمت پرداخت وام‌های قرض الحسنه به نورچشمی‌ها یا کارمندان نظام بانکی رفت. عقد مشارکت صرفاً به یک نام تبدیل شد؛ به نحوی که بانک‌ها سالانه ده‌ها هزار میلیارد تومان سود به سپرده‌گذاران پرداخت کردند، اما اقتصاد کشور با رشدهای منفی اقتصادی مواجه بود. عقد فروش اقساطی نیز عملاً تبدیل به فاکتورهای صوری شد که افراد تحت این عنوان از بانک وام می‌گرفتند اما خرید و فروش اقساطی در میان نبود. در ذیل به بررسی دلایل و ریشه‌های انحراف این عقود پرداخته شده است.



# اجرای صوری عقود اسلامی در بانک‌ها

یکی از مشکلات جدی بانکداری اسلامی در ایران، اجرای صوری عقود اسلامی توسط بانک‌هاست که تاکنون انگیزه جدی برای مقابله با آن ایجاد نشده است



فروش اقساطی در نظام بانکداری ما خیلی مد شده و اصلاً می‌توان منشأ پدیده فاکتورهای صوری را نیز همین موضوع دانست. عبارتی در عربی تحت عنوان «العجل قسط من الثمن» وجود دارد که العجل در آن به معنای زمان است. این عبارت به این معنی است که فقه برای زمان ارزش قائل است؛ یعنی حتی اگر در جامعه‌ای تورم نیز وجود نداشته باشد، باز زمان دارای اهمیت است

## گزارش

در روزهای گذشته که بخش‌هایی از کتاب تاریخ بانکداری اسلامی در ایران را بررسی و منتشر کردیم، مباحثی درباره نحوه شکل‌گیری بانک در ایران و نفوذ خارجی‌ها و بویژه انگلیسی‌ها در سوءاستفاده از فرصت‌ها در کشورمان مطرح شد. در عین حال، اطلاعاتی نیز از تأسیس و فعالیت بانک‌ها در دوران قبل از انقلاب ارائه شد و سپس بحث به سمت بانکداری اسلامی و تغییرات شیوه بانکداری در کشور در پس از انقلاب اسلامی رفت. در شماره امروز نیز مباحث پیرامون ربازدایی از بانک‌ها و اجرای عقود اسلامی در عملیات بانکی خواهد بود.

می‌دهم، اینجا محل اشکال است؛ چون وقتی این کارخانه کفش ایجاد و شروع به تولید کرد، طبیعتاً این کارخانه تنها کارخانه کفش کشور و این کفش‌ها نیز تنها کفش‌های تولیدشده در جامعه نیستند؛ چرا که کارخانجات کفش دیگری نیز در کشور وجود دارند.»

توتونچیان در تشریح اینکه این موضوع چه مشکلاتی را برای اقتصاد ایجاد می‌کند، با ذکر جمله‌ای از دیوید ریکاردو اقتصاددان انگلیسی می‌گوید: «ریکاردو معتقد است زمین‌ها وقتی حاصلخیزی متفاوتی داشته باشند، این موضوع منجر به ایجاد رانت می‌شود. خب، طبیعتاً وقتی بنگاه‌های اقتصادی از طریق عقود اسلامی و عقد مشارکت با

«سپس یا ذکر مثالی به ایشان گفتم من قبول دارم ممکن است پدری ثروتمند باشد و از طرفی پسرش مثلاً بخواهد ازدواج کند و به پول نیاز داشته باشد. اینجا ممکن است پدر پولی به پسر قرض دهد تا پسرش با این پول اسباب و امکانات اولیه زندگی را فراهم کند. از نظر من هم این نوع قرض ولو با بهره ایرادی ندارد. پس تا اینجا کار یعنی پرداخت وام یا قرض ولو با بهره‌ای مشخص مشکلی وجود ندارد، مشکل زمانی ایجاد می‌شود که پسر خطاب به پدرش بگوید، می‌خواهم کارخانه تولید کفش بزنم و برای این کار مثلاً به ۱۰۰ میلیون تومان پول نیاز دارم. وقتی پسر بخواهد این پول را از پدرش قرض بگیرد و به پدر بگوید در ازای این قرض ۲۰ درصد بهره

شد، تولیدکننده کفش دو بیست تومانی با خودش می‌گوید، چرا وقتی همین کفش در بازار ۲۴۰ تومان ارائه می‌شود، من قیمت خودم را افزایش ندهم! با این استدلال و براساس این منطق بود که من با اصل فلسفه وام بین بانکی مخالف بودم. وقتی موضوع را برای آیت‌الله رضوانی توضیح دادم، از ایشان پرسیدم آیا این به ضرر جامعه نیست؟ حتی آنجا به ایشان گفتم به شاگردان تان بگویند این موضوع را بررسی کنند و ببینید مقصود پیامبر(ص) قرض مصرفی بوده یا تولیدی؛ چون من در این زمینه اطلاعی ندارم، اما برداشت من این است که این قرض میان پدر و پسر باید قرض مصرفی باشد. من هم مانند شما با قرض مصرفی مخالفی ندارم، پدر از پسر یا پسر از پدر می‌توانند قرض بگیرند و براساس توافق، بهره‌ای به هم بدهند و به قول دوستان جیب به جیب است؛ اما اگر این قرض تولیدی باشد، همه چیز در اقتصاد کشور به هم می‌ریزد. در نهایت بعد از کلی بحث نتیجه این شد که بانک به عنوان پسر می‌تواند

از دولت به عنوان پدر وام بگیرد و ایرادی ندارد که به دولت بهره دهد.» از عقود فروش اقساطی، مشارکت و قرض الحسنه می‌توان به عنوان سه عقد مهم و پرکاربرد در قانون عملیات بانکی بدون ربا نام برد؛ عقود که عملاً از سال ۶۳ و اجرای این قانون، با انحرافات بسیاری همراه شده و با گذشت زمان این انحراف‌ها بیشتر و شکاف ایجاد شده عمیق‌تر شد. منابع قرض الحسنه نظام بانکی عملاً به سمت پرداخت وام‌های قرض الحسنه به نورچشمی‌ها یا کارمندان نظام بانکی رفت. عقد مشارکت صرفاً به یک نام تبدیل شد؛ به نحوی که بانک‌ها سالانه ده‌ها هزار میلیارد تومان سود به سپرده‌گذاران پرداخت کردند، اما اقتصاد کشور با رشدهای منفی اقتصادی مواجه بود. عقد فروش اقساطی نیز عملاً تبدیل به فاکتورهای صوری شد که افراد تحت این عنوان از بانک وام می‌گرفتند اما خرید و فروش اقساطی در میان نبود. در ذیل به بررسی دلایل و ریشه‌های انحراف این عقود پرداخته شده است.